

مطالعه تطبیقی مفهوم و انواع دعاوی بین اشخاص مختلف

خلیل احمدی*

استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

پذیرش: ۹۳/۱۱/۱۱

دریافت: ۹۳/۱۰/۱۱

چکیده

تعدد اصحاب یک دعوا وقتی محقق می‌شود که یا هر کدام از آن‌ها مدعی نفع مستقلی در موضوع دادرسی باشد یا این‌که خواهان‌ها و خواندگان متعدد با منافع مشترک دعوایی را مطرح یا از آن دفاع کنند. کاربرد اصطلاح «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» ناظر به دعوای بین خواهان‌ها و خواندگان دارای نفع مشترک است. «دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک» از مصادیق دعوای بین اشخاص با نفع مشترک است، ولی این خصیصه فقط بین خواندگان وجود دارد و در این نوع دعوا باید همه خواندگان طرف دعوا قرار گیرند. ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی ناظر به «دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک» است.

در این مقاله به بررسی تطبیقی مفهوم و انواع دعاوی بین اشخاص مختلف پرداخته می‌شود. وضعیت فعلی و مطلوب حقوق کشورمان درخصوص این موضوع نیز تشریح خواهد شد.

واژگان کلیدی: دعاوی مرتبط، دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک، نفع مشترک، رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک

Email: khalilahmadi56@gmail.com

* نویسنده مسؤول مقاله:

۱. مقدمه

در یک دعوای ساده، دعوایی اقامه و در نهایت به صدور حکم منجر می‌شود؛ ولی ممکن است بین خواهان و خوانده دعوای دیگری نیز مطرح باشد که با دعوای اصلی مرتبط باشند. در حقوق ایران، «دعوای مرتبط» بین طرفین تعریف شده و برای جلوگیری از صدور آرای متعارض و متناقض، مقرراتی پیش‌بینی شده که همه «دعوای مرتبط» در یک شعبه و یکجا مورد رسیدگی قرار گیرند. یکی از موارد شایع، رسیدگی دادگاه‌ها به دعوایی است که در آن خواهان‌ها و خواندگان متعدد با منافع مشابه یا مرتبط وجود دارند. در آمریکا، قوانین مشخص و معینی وجود دارد که بر اساس آن، در صورت وجود خواهان‌های متعدد با منافع مشابه و مرتبط و اقامه دعوا توسط یک یا چند نفر از آن‌ها، صدور حکم نسبت به این دعوا نسبت به حقوق خواهان‌های دیگر نیز تأثیرگذار است. با وجود این‌که قاعده مهم حقوقی اعتبار امر قضاوت شده رأی فقط نسبت به کسانی مؤثر است که در دعوا حضور داشته‌اند، ولی در دعوایی با خصوصیت «حق مشترک»^۱، حکم صادر شده نسبت به دیگر اشخاص ذینفع نیز اعتبار امر قضاوت شده^۲ می‌یابد (مواد ۱۹ و ۲۰ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا). در حقوق ایران، دعوای بین خواهان‌ها و خواندگان متعدد با منافع مشابه یا مرتبط تعریف نشده، ولی می‌توان به دعوای مرتبط بین خواهان و خوانده استناد کرد. علاوه بر این، در بعضی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی، اصطلاحی تحت عنوان «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» پیش‌بینی شده است.

تعریف دقیق مفاهیم انواع دعوای بین اشخاص متعدد، کمک بسیار مهمی در تفسیر بعضی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی از جمله مواد ۲۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ در خصوص اثر «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» در مراحل مختلف شکایت از رأی دارد. شناخت دقیق این مفاهیم، به شناخت بهتر دعوای اعتراض ثالث، ورود و جلب شخص ثالث کمک

1. in privity
2. res judicata

می‌کند. به بیان دیگر، با شناخت دقیق این مفاهیم، شرایط و ویژگی‌های دعوی اعتراض ثالث و ورود ثالث بهتر مشخص شده، می‌توان در این‌گونه دعاوی برای اشخاص ثالث که درصدد اقامه دعوی ورود و یا اعتراض ثالث هستند، چارچوب و معیارهای مناسبی تعیین کرد. دعوی اعتراض ثالث، ورود و جلب شخص ثالث و همچنین اثر «رأی غیر قابل تجزیه» با لحاظ این مفاهیم، به صورت مقاله جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد. به دلیل این‌که در مطالعه تطبیقی کشورها، تنها کشور آمریکا در این زمینه مقررات متفاوت از دیگر کشورها دارد و کشورهای دیگر از جمله کشور فرانسه، در این مورد مقرراتی چندان متفاوت از حقوق ایران ندارند، اساس مطالعه تطبیقی، حقوق آمریکا بوده، حقوق بقیه کشورها به صورت خلاصه مورد اشاره قرار می‌گیرد. بنابراین، در مقاله حاضر ضمن بررسی تطبیقی حقوق آمریکا و اشاره خلاصه به حقوق فرانسه و اسپانیا، مفهوم دعوی «مرتبط» و دعوی «غیر قابل تجزیه و تفکیک» بین اشخاص متعدد در حقوق ایران مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۲. حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا مقررات خاصی درخصوص دعاوی مربوط به خواهان‌ها و خوانندگان با منافع مشترک، مشابه یا مرتبط وجود دارد که به نحوی برخلاف رویه موجود در حقوق بقیه کشورها است. تقریباً در همه دنیا قاعده اعتبار امر قضاوت شده صرفاً طرفین حکم را از اقامه دعوی مجدد نسبت به همان موقعیت، ممنوع می‌سازد، اما در حقوق آمریکا مقرراتی پیش‌بینی شده که حکم صادر شده مابین طرفین دعوی اصلی نسبت به اشخاص دیگر که با طرفین دعوی اصلی «منافع مشابه یا مرتبط» داشته باشند نیز «اعتبار امر قضاوت شده» می‌یابد. یکی از آن‌ها «حق مشترک» در مواد ۱۹ و ۲۰ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا و دیگری دعوی اقامه شده به نمایندگی از

گروه^۱ در ماده ۲۳ قواعد مذکور است.

الف) در ماده ۱۹ قواعد مذکور، جلب اشخاص لازم برای صدور حکم شایسته و منصفانه پیش‌بینی شده است. هرچند دعوی حقوقی با ابتکار عمل اصحاب دعوا و تسلط آن‌ها بر جهات موضوعی صورت می‌گیرد، ولی در جهت اجرای صحیح عدالت به دادگاه اجازه داده شده، در صورتی که لازم بداند، شخص یا اشخاص ذینفع را به دادرسی فرا بخواند.

در بند یک ماده مذکور تصریح شده در موارد ذیل در صورت امکان باید شخص غایب به دعوا جلب شود: «۱) در صورتی که به دلیل نپیوستن شخص غایب^۲، حل و فصل کامل خواسته (دعوا)^۳ بین طرفین حاضر^۴ ممکن نشود؛^۵ ۲) شخص غایب نسبت به موضوع دعوا ادعایی داشته باشد و فیصله دعوا^۶ بدون حضور او باعث شود: الف) شخص غایب نتواند از منافع خود در موضوع دعوا دفاع کند یا مانع توانایی دفاع وی شود یا ب) هریک از طرفین حاضر، در معرض خطر بر عهده گرفتن تعهدات بیش‌تر یا تعهدات مغایر^۷ قرار گیرد.

اگر شخص غایب به دعوا وارد نشود، دادگاه دستور می‌دهد او طرف دعوا قرار گیرد. اگر شخصی باید به‌عنوان خواهان (به دعوا) وارد شود، اما از انجام چنین اقدامی، امتناع ورزد، ممکن است به‌عنوان خوانده تلقی شود، یا در مورد مقتضی و مناسب، بدون اراده خود به‌عنوان خواهان تلقی شود».

در بند دوم ماده مذکور مقرر شده است اگر شخصی که در بند یک توصیف شده، نتواند طرف دعوا قرار گیرد، دادگاه براساس انصاف و وجدان معقول تعیین خواهد کرد که دعوا باید بین طرفین قبلی مورد رسیدگی قرار گیرد یا این‌که رد شود. بنابراین،

1. class actions
2. person absence
3. complete relief
4. already parties
5. cannot be accorded
6. disposition of action
7. indispensable

شخص غایب به عنوان یک شخص غیر قابل کنار گذاشتن تلقی می‌شود. «عواملی که در بررسی ضرورت حضور غایب به وسیله دادگاه مورد توجه قرار می‌گیرند، عبارتند از: (۱) حکم صادر شده در صورت عدم حضور شخص تا چه حدی به شخص یا اشخاصی که قبلاً طرف دعوا بوده‌اند، صدمه می‌زند؛ (۲) تا چه حد می‌توان با وضع حمایت در حکم با شکل دادن به خواسته یا اقدامات دیگر میزان صدمه وارد شده را کاهش داد یا از آن جلوگیری کرد؛ (۳) آیا حکم صادر شده درباره شخص غایب کافی خواهد بود؛ (۴) آیا اگر به جهت نپیوستن شخص غایب دعوی خواهان رد شود، او از ضمانت اجرای کافی برای احقاق حق خود برخوردار می‌ماند؟»

در نظام آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، در بعضی موارد اختیارات خواهان در تعیین شرایط و چگونگی دعوا کنار گذاشته می‌شود. یکی از این موارد، ورود اجباری (جلب) در ماده ۱۹ قانون مذکور است. ورود اجباری^۱ به دادگاه اجازه می‌دهد رأساً^۲ یا به درخواست طرفین، شخصی را که در ابتدا به عنوان طرف دعوا ذکر نشده، به دعوا جلب کند. مفهوم ورود اجباری از یک مفهوم انصافی به وجود آمده که مقرر می‌دارد دادگاه نباید عدالت را نصف و نیمه^۳ اجرا کند، بلکه باید همه اشخاص ذینفع با همدیگر در یک دعوا جمع شوند و اختلافات به طور کلی در یک دعوا حل و فصل شود [۴۰۶].

نهاد «ورود اجباری» اشخاص ذینفعی را که طرف دعوا قرار نگرفته‌اند و باید حضور داشته باشند به دو گروه تقسیم می‌کند: «شخص لازم و واجب»^۴ و «شخص غیر قابل حذف»^۵. «شخص لازم و واجب» شخصی است که اگر امکان داشته باشد باید به دعوا وارد شود و «شخص غیر قابل حذف» شخصی است که بدون او دعوا مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد [۴۰۶]. اگر حضور شخصی بر طبق بند اول ماده ۱۹

1. compulsory joinder
2. its own motion
3. by halves
4. necessary party
5. indispensable party

قانون مذکور برای رسیدگی ضروری باشد، دادگاه در صورت امکان باید آن شخص را به عنوان طرف دعوا جلب کند. اگر در مورد شخصی این ضرورت وجود داشته باشد، ولی امکان پیوستن به آن نباشد، بند دوم ماده ۱۹ چهار عامل را برای تعیین این که این شخص غیر قابل حذف است، بیان کرده است. اگر نتیجه جمع این عوامل چهارگانه بیانگر این باشد که این شخص را نمی توان حذف کرد، دعوا نمی تواند در صورت غایب بودن او مورد رسیدگی قرار گیرد و باید رد شود. ولی اگر شخصی با توجه به عوامل چهارگانه مذکور قابل حذف باشد، دعوا در صورت غیبت این شخص نیز مورد رسیدگی قرار می گیرد [۱، ص ۴۰۷].

اعتبار امر قضاوت شده به این معنا است که از اقامه دعوی مجدد توسط یکی از طرفین دعوی سابق نسبت به همان وضعیت جلوگیری شود. به همین دلیل، امر قضاوت شده، اشخاصی را که در دعوی سابق حضور نداشته اند از اقامه دعوی مجدد راجع به همان موقعیت منع نمی کند. با وجود این، ماده ۱۹ قواعد مذکور، شرایطی را به وجود آورده که در دعاوی ای که اشخاص متعدد در آن ذینفع هستند، نسبت به اشخاص غایب و اشخاصی که مشمول آن حکم نبوده اند، اعتبار امر قضاوت شده جریان دارد.

هرچند در خصوص تعریف «حق مشترک» در حقوق آمریکا اختلاف نظر وجود دارد، ولی به طور سنتی، «حق مشترک» به روابطی محدود می شود که ماهیت این رابطه^۱ به نحوی است که منافع شخص غایب با منافع یکی از طرفین دعوا هم‌ردیف بوده^۲ و از این منافع نیز دفاع مناسبی^۳ به عمل آمده باشد [۱، ص ۴۲۰].

ب) یکی دیگر از مواردی که منافع مشابه یا مرتبط بین اشخاص متعدد وجود دارد، اقامه دعوا یا دفاع از دعوا «به نمایندگی از اعضای گروه» است. در صورتی که حکمی در این زمینه صادر شود، حکم نه فقط نسبت به طرفین دعوا «اعتبار امر قضاوت

1. nature of the relationship
2. aligned
3. adequately represented

شده» دارد، بلکه نسبت به دیگر اعضای گروه که در آن دعوا دخالتی نداشته و طرف دعوا نبوده‌اند نیز اعتبار امر قضاوت شده دارد. قاعده مربوط به دعوی جمعی در ماده ۲۳ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا پیش‌بینی شده است. در بند یک این ماده مقرر شده که: «یک یا چند شخص از اعضای گروه می‌توانند به‌عنوان نماینده از طرف همه گروه اقامه دعوا کنند یا ممکن است علیه آن‌ها اقامه دعوا شود، تنها اگر (۱) تعداد گروه به‌اندازه‌ای زیاد^۱ باشد که ورود^۲ همه اعضا غیرعملی^۳ باشد، (۲) امور حکمی و موضوعی مشترکی بین طرفین وجود داشته باشد، (۳) ادعاها و دفاعیات طرفین نماینده، مخصوص و ویژه^۴ ادعاها و دفاعیات گروه باشد، (۴) طرفین نماینده به طور مطلوب^۵ و کافی^۶ از منافع گروه دفاع کنند».

ماده ۲۳ مذکور برای تأیید گروهی بودن دعوا چهار پیش‌شرط مقرر کرده است:

۱. **بی حد و حصر بودن.** این شرط بر غیرعملی بودن رسیدگی با حضور همه اعضای گروه به‌عنوان طرف دعوا تأکید دارد. غیرعملی بودن معادل غیرممکن بودن نیست. این شرط وقتی محقق است که ورود به دعوا برای دیگر اعضای گروه باعث مشکل^۷ شود یا بی‌نهایت سخت باشد.

۲. **اشتراکی بودن.** این شرط مستلزم این نیست که ادعاها یا اعضای گروه یکسان باشد. در مقابل، این شرط وقتی که امور مشترک حکمی یا موضوعی وجود دارد به طوری که دعوای گروه، شیوه مقرون به صرفه اقامه دعوا و بیان دفاعیات باشد، فراهم است. به عبارت دیگر، همه ادعاها یا گروه از امور حکمی یا موضوعی مشابه به وجود آمده باشد.

۳. **خاص بودن.** به موجب این شرط لازم است ادعاها یا دفاعیات نماینده گروه،

1. numerous
2. Joinder
3. impracticable
4. typical
5. fairly
6. adequately represented
7. inconvenient



مربوط و خاص آن گروه باشد. در این جا رسیدگی^۱ تنها بر طرف نماینده تمرکز دارد و نه گروه. این پیش شرط وقتی که نماینده گروه جزئی از گروه بوده، دارای همان منافع و متحمل همان ضرر به عنوان اعضای گروه شود، فراهم است [۲، ص ۱۵۳۹].

۴. **صلاحیت و شایستگی داشتن.** این شرط نیز بر نماینده گروه تمرکز دارد. دادگاه باید مشخص کند آیا نماینده با دیگر اعضای گروه که در دعوا حضور ندارند، منافع مشترک دارد یا خیر؟ در نتیجه این شرط، منافع نماینده نباید در تعارض با منافع دیگر اعضای گروه باشد. به موجب این شرط لازم است دادگاه صلاحیت و شرایط نماینده گروه را بررسی کند [۲، ص ۱۵۴۰].

شباهت بین شرایط دعوای گروهی (ماده ۲۳) و تعریف «حق مشترک» عجیب نیست، زیرا به همان شیوه‌ای که اعضای غایب گروه به وسیله حکم نسبت به گروه مکلف می‌شوند، شخص غایب در «حق مشترک» با یکی از طرفین به موجب حکم نسبت به آن طرف و براساس قاعده اعتبار امر قضاوت شده مکلف می‌شود. بنابراین، دفاع کافی و مناسب در دعوای گروهی از همان معنای «حق مشترک» در ماده ۱۹ برخوردار است [۱، ص ۴۲۳].

۳. کشورهای فرانسه و اسپانیا

هرچند در کشورهای دیگر یک یا چند مورد که به موجب آن خواهان‌ها می‌توانند گروهی با همدیگر دعوایی را اقامه کنند، پیش‌بینی شده است، ولی این رسیدگی‌ها متفاوت از نظام دادرسی مقرر شده در آمریکا است. در برخی از کشورهای اروپایی صدور حکم در یک دعوای «مرتبط» بین بعضی از اشخاص ذینفع، نسبت به اشخاص ذینفع دیگر که طرف دعوا نبودند، اعتبار امر قضاوت شده ندارد. وضع در اسپانیا متفاوت است. در این قسمت از بین کشورهای اروپایی، حقوق فرانسه و اسپانیا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. inquiry

۳-۱. حقوق فرانسه

هرچند حقوق فرانسه چند نوع از دعاوی جمعی را مقرر کرده (از جمله ماده ۱-۴۲۲ قانون مصرف‌کننده)، در این کشور امکان اقامه دعاوی جمعی به نحوی که در آمریکا پیش‌بینی شده، ممکن نیست. قاعده کلی بر طبق حقوق فرانسه این است که حکم نسبت به اشخاصی که طرف دعوا نبوده‌اند، اثر ندارد و قضات در هیچ حالتی مجاز نیستند حکمی فراتر از ادعاهای طرفین صادر کنند. در ماده ۳۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه بحث تعدد خواهان‌ها و خواندگان به شرطی که دارای «نفع مشترک»^۱ باشند، پذیرفته شده است. در مواد ۵۵۳، ۵۵۲، ۵۲۹ و ۶۱۵ قانون مذکور بحث اثر غیر قابل تجزیه بودن رابطه متعدد، بدون ارائه تعریف از آن، پیش‌بینی شده است.

در حقوق فرانسه، مثل حقوق ایران و برخلاف حقوق آمریکا، بر طبق قسمت اول ماده ۳۳۲ قانون مذکور دادگاه رأساً نمی‌تواند اشخاص دیگر را به دادرسی جلب کند، بلکه فقط می‌تواند طرفین را «دعوت» کند^۲ که اشخاص ذینفع دیگر را به دادرسی جلب کنند. با توجه به این ماده و با توجه به قاعده اعتبار امر قضاوت شده که یکی از شرایط آن، وحدت اصحاب دعوا است، صدور حکم در دعاوی مرتبط بر دیگر اشخاص ذینفع که در دادرسی دخالت نداشته‌اند، تأثیری ندارد. علیرغم عدم مقرر قانونی، رویه قضایی و نویسندگان با استنباط از مقررات مواد ۱۲۰۵، ۱۲۰۶ و ۱۲۰۷ قانون مدنی فرانسه نمایندگی خاصی در رابطه میان اشخاصی که نسبت به دین، مسئولیت تضامنی دارند، مطرح و احراز کرده‌اند و از آن نتیجه گرفته‌اند که هرگاه رأی به زیان یکی از آنان صادر شود و سبب صدور حکم رد ایرادی باشد که برای همه مشترک است، این رأی درباره دیگران نیز اعتبار دارد [۳، ص ۱۸۱]. به عبارت دیگر، در حقوق فرانسه برخلاف حقوق آمریکا به غیر از مورد اخیر که رویه قضایی آن را به وجود آورده، صدور حکم در دعاوی بین خواهان‌ها و خواندگان با منافع مشترک هیچ تأثیری بر

1. les co interesses
2. le juge peut inviter les parties

دیگر اشخاص ذینفع که در دعوی سابق حضور نداشته‌اند، ندارد.

۳-۲. حقوق اسپانیا

دعوی گروهی در نظام حقوقی اسپانیا اگرچه تا اندازه‌ای متفاوت از حقوق آمریکا پیش‌بینی شده است، ولی قلمرو محدودتری از آن دارد؛ زیرا محدود به مصرف‌کنندگان مشترک و متعدد است. مقدمه قانون آیین‌دادرسی مدنی اسپانیا مصوب ۲۰۰۱ شیوه‌ای را مقرر کرده که به موجب آن، گروه‌ها و نهادهای حقوقی معینی می‌توانند از طرف تعدادی از مصرف‌کنندگان که همه متحمل ضرر شده یا به جهت واقعه مشابهی صدمه دیده‌اند، اقامه دعوا کنند. در این کشور دو نوع دعوی گروهی مجاز است: ادعا برای دفاع از منافع جمعی بر طبق بند ۲ ماده ۱۱ قانون آیین‌دادرسی مدنی و دعوا برای حمایت از منفعت متداول یا مبهم اشخاص بر طبق بند ۳ ماده ۱۱ قانون مذکور.

در حقوق اسپانیا نیاز نیست مصرف‌کنندگان برای شرکت در دعوی جمعی که به وسیله گروه‌ها، مؤسسات و نهادهای حقوقی اقامه شده، توافق کنند. آن‌ها برای شرکت کردن در دعوا یا عدم شرکت در آن آزادند، زیرا در هر حال تابع حکم هستند. اگر آن‌ها در دعوا شرکت کنند قادر خواهند بود خسارت وارد به خود را در همان دادرسی ادعا کنند. با وجود این، اگر در دعوا نباشند تابع حکم بوده، می‌توانند از آن حکم (با طرح ادعای خسارت نزد دادگاه اجراکننده حکم) استفاده کنند. در حقوق اسپانیا مقرراتی پیش‌بینی شده تا براساس آن، مصرف‌کنندگان از جریان رسیدگی به دعوا مطلع شده و فرصت پیوستن به آن را داشته باشند. این کار انجام می‌شود: الف) با انتشار حق ورود اشخاص در دعوا در وسایل ارتباط جمعی منطقه‌ای که خسارت اتفاق افتاده (معمولاً روزنامه‌ها)؛ ب) در مواردی که اعضا قابل تشخیص هستند با مجبور کردن خواهان برای ارسال نامه به همه آن‌ها قبل از طرح کردن ادعا.

اگر امکان تعیین ذینفع‌های حکم به طور قطعی وجود نداشته باشد، دادگاه باید شرایطی را که دیگر اشخاص می‌توانند از این حکم استفاده کنند و مشمول این حکم

شوند، مشخص سازد. اگر دعوای جمعی رد شود همه مصرف‌کنندگان ذینفع، چه در دعوا شرکت داشته چه نداشته باشند، به وسیله حکم مکلف می‌شوند. آن‌ها نمی‌توانند علیه خواننده‌ای که از همان وقایع مشابه به وجود آمده، دعوای جدید اقامه کنند [۴، ص ۲۰].

۴. حقوق ایران

در بعضی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی ایران تعدد طرفین دعوا پیش‌بینی شده است. در ماده ۱۶ قانون مذکور مقرر شده «هرگاه یک ادعا راجع به خوانندگان متعدد باشد که در حوزه قضایی مختلف اقامت دارند... خواهان می‌تواند به هریک از دادگاه‌های حوزه‌های یاد شده مراجعه نماید». در مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ قانون مذکور نیز با توجه به این‌که بحث اثر رأی نسبت به دیگر اشخاص طرفین دعوا پیش‌بینی شده، می‌توان استنباط کرد ممکن است طرفین دعوا متعدد باشند. در دعوای بین اشخاص متعدد این سؤال مطرح می‌شود که ضرورت اجتماع خواهان‌ها و خوانندگان متعدد بر چه مبنایی است؟ به عبارت دیگر، این‌که در یک دعوا خواهان‌های متعدد، دعوایی با هم اقامه می‌کنند و یا این‌که دعوا علیه خوانندگان متعدد اقامه می‌شود، ضرورت توأم بودن این افراد بر چه مبنایی توجیه می‌شود؟ در قانون مذکور دو اصطلاح «هم‌منشأ بودن» و «مرتبط بودن» دعوای پیش‌بینی شده که باید بررسی شود آیا علاوه بر این‌که ناظر به طرفین واحد است، شامل فرض خواهان‌ها و خوانندگان متعدد نیز می‌شود یا خیر؟ همچنین عبارت «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» به چه معنا است؟ ممکن است در توضیح این مفاهیم از شرایط و عبارت‌های به کار رفته در دعوای طاری استفاده شود، ولی خود دعوای طاری مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

در حقوق ایران به غیر از مقررات آیین دادرسی مدنی، در دو قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ و قانون حمایت از مصرف‌کننده مصوب ۱۳۸۸ مقرراتی

وضع شده که به موجب این قوانین، نهادها یا سازمان‌های حمایت از مصرف‌کنندگان در جهت دفاع از حقوق مصرف‌کننده به‌عنوان شاکی اقامه دعوا می‌کنند.

ماده ۴۸ قانون تجارت الکترونیکی مقرر می‌دارد: «سازمان‌های قانونی و مدنی حمایت از حقوق مصرف‌کننده می‌توانند به‌عنوان شاکی اقامه دعوا نمایند...». در این ماده و آیین‌نامه اجرایی آن، هیچ اشاره‌ای به بحث اثر این حکم نسبت به خود مصرف‌کننده و اعتبار امر قضاوت شده نسبت به او و دیگر مصرف‌کنندگان نشده و حتی در ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی مربوط پیش‌بینی شده که نحوه اقامه دعوا و شرایط آن تابع قواعد آیین دادرسی مدنی است. بنابراین، در ماده ۴۸ مذکور تسری اثر حکم نسبت به دیگر مصرف‌کنندگان ذینفع منتفی بوده، رأی صادر شده در پرونده شکایت سازمان‌های حامی مصرف‌کنندگان نسبت به مصرف‌کنندگان اعتبار امر قضاوت شده ندارد.

ماده ۱۴ قانون حمایت از مصرف‌کننده مقرر می‌دارد: «به منظور تسهیل و تسریع در رسیدگی به تخلفات و در راستای استیفای حقوق مصرف‌کنندگان، انجمن‌های حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان می‌توانند شکایات واصله از افراد حقیقی و حقوقی را در حدود موارد مذکور در بندهای ۲، ۳ و ۴ ماده ۱۲ این قانون بررسی نموده و در صورت عدم توافق طرفین (شاکی و متشاکی عنه) جهت رسیدگی قانونی به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع نمایند».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این دو ماده قانونی، بحث تعدد اصحاب دعوا مطرح نیست، بلکه سازمانی به‌عنوان شاکی از طرف مصرف‌کننده اقامه دعوا می‌کند [۵، ص ۱۹۵]. بنابراین، برخلاف حقوق دیگر کشورها از جمله حقوق آمریکا و اسپانیا، حکم صادر شده اثری نسبت به دیگر اشخاص ذینفع ندارد و به صورت شخصی و موردی اقامه دعوا می‌شود. به همین جهت، برای بررسی اثر حکم نسبت به دارندگان حق مشترک در حقوق ایران، مقررات آیین دادرسی مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. مرتبط بودن

موضوع مورد بحث در این مقاله، «مرتبط» بودن دعا بین اشخاص متعدد است؛ ولی از آنجا که در قانون این امر تعریف نشده و تنها درخصوص دعاوی متقابل در ماده ۱۴۱ «ارتباط کامل» تعریف شده، باید بررسی شود که دعاوی «مرتبط» در رابطه بین دو شخص خواهان و خوانده چه معنایی دارد و آیا همین مفهوم در دعاوی مرتبط بین اشخاص متعدد نیز کاربرد دارد و یا این که دعاوی مرتبط بین اشخاص متعدد معنا و مفهوم دیگری دارد؟

۴-۱-۱. مرتبط بودن دعاوی بین خواهان و خوانده

در فرض تعدد دعاوی خواهان و خوانده گاهی هر دو علیه همدیگر دعاوی متعدد اقامه می‌کنند و در موارد دیگر صرفاً خواهان، دعاوی متعددی علیه همان خوانده اقامه می‌کند.

در صورت اقامه دعاوی «مرتبط» خوانده علیه خواهان، ممکن است این دعا در چارچوب دعاوی متقابل یا به صورت دعاوی مستقل مطرح شود. در فرض طرح دعاوی متقابل، ماده ۱۴۱ قانون مذکور که «ارتباط کامل» را تعریف کرده («بین دو دعوا وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هریک مؤثر در دیگری باشد») حاکم بر دعا است. اما در صورتی که خوانده در چارچوب دعاوی متقابل، اقامه دعوا نکند و به صورت مستقل دعاوی «مرتبطی» با دعاوی اصلی اقامه کند، با احراز شرط قانونی «اگر اتخاذ تصمیم در هر کدام در دیگری نیز مؤثر باشد»، رکن «مرتبط» بودن دعاوی فراهم بوده، به استناد مواد ۱۰۳ و بند ۲ ماده ۸۴ ق. آ. د. م باید یکجا مورد رسیدگی قرار گیرند.

۴-۱-۲. مرتبط بودن دعاوی متعدد بین اشخاص مختلف

دعاوی بین اشخاص مختلف ممکن است به این نحو باشد که اشخاص مختلف نسبت به

موضوع دادرسی دارای نفعی متفاوت از دیگر اشخاص باشند و به عبارت دیگر هر کدام مدعی نفع مستقل باشند. در صورتی که اشخاص مختلف نسبت به موضوع دادرسی مدعی حق مستقل باشند، با توجه به این که دعوی ورود ثالث یکی از مصادیق دعاوی طاری است و در دعاوی طاری رعایت شرط «مرتبط بودن» ضروری است، مفهوم «مرتبط» بودن به این صورت خواهد بود که اشخاص مختلف نسبت به موضوع دادرسی ادعای نفع مستقل داشته باشند.

ممکن است دعوی مرتبط بین اشخاص متعدد به دو طریق محقق شود:

الف) خواهان دعوایی علیه خوانده اقامه کند و اشخاص دیگر که مدعی حق مستقلی برای خود در موضوع دادرسی هستند، در آن دعوا در چارچوب دعاوی ورود ثالث، ادعای خود را مطرح سازند. با توجه به این که دعوی ورود ثالث یکی از مصادیق دعاوی طاری است و در ماده ۱۷ ق. آ. د. م. نیز شرط استماع این دعوا «مرتبط بودن» آن با دعوی اصلی دانسته شده، در این جا مرتبط بودن به این معنا است که هر کدام راجع به موضوع دادرسی، ادعای نفع مستقل کند.

ب) ممکن است در یک دعوا خواهان و خوانده علیه همدیگر راجع به مال معینی دعوایی را اقامه کنند و در دعوی دیگر راجع به همان مال، خواهان یا خوانده با شخصی دیگر، دعوایی در جریان داشته باشند یا این که در دعوی مستقل از دعوی میان خواهان و خوانده، دعوی دیگری راجع به همان مال، میان افراد دیگر در جریان باشد.

هرچند در این مورد، دعاوی به صورت جداگانه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، ولی در صورتی که در یک دعوا، راجع به مال معین رأیی صادر شود در دعوی دیگر نیز مؤثر بوده، باعث مختومه شدن دعوی دیگر می‌شود. به همین جهت، تنها راه طرفین دعوی دیگر، اعتراض ثالث به آن رأی است. بنابراین، در این مورد نیز «ارتباط کامل» محقق است.

۴-۲. دعوای بین اشخاص مختلف دارای نفع مشترک

حالت دیگری که امکان دارد دعوای متعددی بین اشخاص مختلف مطرح شود، این است که بین همه خواهان‌ها و یا همه خواندگان، نفع مشترک در اقامه دعوا یا دفاع از دعوا وجود داشته باشد.

فرض اول، ممکن است بین خواندگان متعدد نفع مشترک در دفاع از دعوا وجود داشته باشد. این در صورتی است که سبب دعوا بین خواندگان مشترک باشد. در ماده ۱۷ قانون مذکور برای اقامه دعوای طاری علاوه بر شرط «مرتبط بودن»، شرط «هم منشأ بودن» نیز پیش‌بینی شده است. با توجه به این‌که «منشأ» همان سبب دعوا است، در دعوای بین اشخاص مختلف در صورتی که بین دعوای آن‌ها وحدت «منشأ» وجود داشته باشد، بین آن‌ها نفع مشترک در دفاع از دعوا وجود دارد. همچنین با توجه به این‌که «هم‌منشأ بودن» متفاوت از «ارتباط کامل» است [۶، ص ۳۷۷]، دعوای بین اشخاص متعدد دارای نفع مشترک لزوماً از مصادیق دعوای «مرتبط» بین اشخاص مختلف نیست. بنابراین، با توجه به این‌که در حقوق ایران شرط حکومت قاعده اعتبار امر قضاوت شده، وحدت اصحاب دعوا است، در دعوای بین اشخاص متعدد دارای نفع مشترک که به صورت مستقل و در زمان‌های متفاوت از یکدیگر اقامه شده‌اند، اتخاذ تصمیم در هر کدام از دعوای در دیگری مؤثر نیست.

برای احراز نفع مشترک بین اشخاص متعدد، به شرح زیر لازم نیست که خواسته خواهان‌ها و دفاعیات خواندگان واحد باشد:

الف) خواسته خواهان‌ها ممکن است واحد باشد یا متعدد. در ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح شده اگر خواسته (موضوع) دعوا منقول یا غیرمنقول باشد، به شرط آن‌که ناشی از یک «منشأ» باشند، می‌توان آن‌ها را در یک دادخواست اقامه کرد. بنابراین، لازم نیست خواسته واحد باشد تا بین خواندگان نفع مشترک باشد، بلکه اگر «خواسته‌های هم‌منشأ» متعدد باشند، نفع مشترک بین خواندگان محقق است.

ب) لازم نیست دفاعیات خواندگان در مقابل سبب مشترک، واحد باشد تا بین آن‌ها



نفع مشترک وجود داشته باشد. به طور مثال، ممکن است خواهان به استناد قرارداد عادی، مدعی خرید ملکی از مورث خواندگان شوند و علیه وراث دعوی الزام به انتقال سند رسمی اقامه کند. در این فرض ممکن است یکی از خواندگان (وراث) مدعی بطلان قرارداد مذکور و دیگری مدعی فسخ آن شود یا این که یکی از خواندگان مدعی جعلی بودن امضای مورث خود ذیل سند عادی شده، خوانده (وارث) دیگر مدعی سفید امضا بودن و جعلیت محتوای آن گردد. در این جا هر چند دفاعیات خواندگان واحد نیست، ولی با توجه به این که «منشأ» دعوا واحد است و به هر دلیلی، «منشأ» (عقد بیع عادی) منتفی شود، دعوا نسبت به خوانده دیگر نیز منتفی می شود، نفع مشترک بین خواندگان محقق است؛ مگر این که یکی از خواندگان دفاعی را مطرح سازد که جنبه شخصی داشته و این دفاع فقط مختص آن خوانده باشد. باید گفت در مورد اخیر بحث نفع مشترک بین خواندگان مطرح نبوده، از مصادیق دعاوی بین اشخاص متعدد دارای نفع مشترک نیست؛ زیرا در نفع مشترک بین خواندگان فرض بر این است که سبب بین آن ها مشترک بوده و سبب دعوا متوجه تمامی خواندگان است.

فرض دوم. امکان دارد خواهان های متعدد نفع مشترک در اقامه دعوا داشته باشند. در این خصوص نیز در صورتی بین اشخاص متعدد، نفع مشترک وجود دارد که سبب دعوا بین آن ها مشترک باشد. در حقوق ایران در هیچ حالتی لازم نیست که اشخاص دارای نفع مشترک با همدیگر و در یک دادخواست دعوی خود را مطرح کنند. بنابراین، هر کدام از خواهان ها می تواند به صورت مستقل و جداگانه دعوی خود را مطرح سازد یا این که اصلاً دعوی خود را اقامه نکند.

با توجه به دو فرض بالا، دعاوی بین خواهان ها و خواندگان دارای نفع مشترک وقتی محقق می شود که «منشأ» دعوا بین خواهان ها و خواندگان متعدد مشترک باشد. اگر در چنین دعوایی، یکی از خواهان های دارای نفع مشترک دعوا را اقامه کرده باشد یا علیه یکی از خواندگان دارای نفع مشترک اقامه دعوا شود، صدور حکم نسبت به دیگر اشخاص اعتبار امر قضاوت شده نداشته، مانع اقامه دعوا از طرف آن ها نمی شود. به

دلیل این‌که در حقوق ایران صدور حکم نسبت به دیگر اشخاص دارای نفع مشترک، اعتبار امر قضاوت شده ندارد، شرایط این‌گونه دعاوی چندان متفاوت از دعاوی بین خواهان و خوانده واحد نیست.

در خصوص دعاوی دارای نفع مشترک بین خواهان‌ها و خوانندگان متعدد، ممکن است بعضی از خواهان‌ها اقامه دعوا نکنند یا علیه بعضی از خوانندگان اقامه دعوا نشود یا اگر خواهان‌ها همگی اقامه دعوا کردند، ضمن یک دادخواست نباشد یا اگر علیه همه خوانندگان اقامه دعوا شود، لازم نیست که علیه همه آن‌ها در یک دادخواست اقامه شود. این دعاوی اگر به صورت جداگانه و مستقل اقامه شوند، لزوماً از مصادیق دعاوی مرتبط نبوده، نمی‌توان یکجا به آن‌ها رسیدگی کرد. بنابراین، عدم شمول قاعده اعتبار امر قضاوت شده نسبت به اشخاصی که در دعاوی سابق حاضر نبوده‌اند و همچنین نبودن مانع بر اقامه دعوا توسط سایر خواهان‌ها موجب صدور آرای متعارض می‌گردد. در حقوق آمریکا برای جلوگیری از صدور آرای متعارض مواد ۱۹ و ۲۳ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال پیش‌بینی کرده است بر طبق شرایطی، حکم صادر شده نسبت به دیگر اشخاص ذینفع، اعتبار امر قضاوت شده دارد؛ ولی در حقوق ایران برای جلوگیری از صدور آرای متعارض، مقرره‌ای پیش‌بینی نشده و این یکی از نقایص و ضعف‌های قانون آیین دادرسی مدنی ایران است.

۳-۴. دعاوی و رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک

در مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی عبارت «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» بدون ارائه تعریف از آن به کار رفته است. علاوه بر این، عبارت دیگری تحت عنوان «دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک» وجود دارد که ارتباط میان آن‌ها نیازمند بررسی و دقت بیشتر است.

۴-۳-۱. دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک

دعوای «غیر قابل تجزیه و تفکیک» همان دعوای اشخاص متعدد دارای نفع مشترک است. تنها تفاوت این دو دعوا این است که در دعوای دارای نفع مشترک، خواهان می‌تواند علیه بعضی از خواندگان دعوا را اقامه و علیه بعضی دیگر اقامه نکند (به طور مثال در دعوای مالک علیه یکی از غاصبین)؛ در حالی که در «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» (مثل دعوای مالک مبنی بر اثبات حق ارتفاق علیه مالکین ملک مجاور) باید کلیه اشخاصی که در موقعیت خوانده هستند، طرف دعوا قرار گرفته، برخلاف دعوای دارای نفع مشترک نمی‌توان دعوا را علیه بعضی از این اشخاص اقامه کرد و علیه بعضی دیگر اقامه نکرد؛ زیرا اگر اقامه این نوع دعوا علیه بعضی از آن‌ها پذیرفته شود، در فرض صدور حکم به نفع خواهان، با حقوق اشخاص دیگر که طرف دعوا قرار نگرفته‌اند، تعارض دارد و حقوق آن‌ها را بدون این‌که از خود دفاع کنند، تحت الشعاع قرار می‌دهد. به بیان دیگر، «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» یکی از مصادیق دعوای دارای نفع مشترک بوده، رابطه آن‌ها عموم و خصوص مطلق است. تنها تفاوت این است که در «دعوای غیر قابل تجزیه» باید همه اشخاصی که با موضوع دعوا مرتبط هستند، طرف دعوا قرار گیرند [۷، ص ۱۵۹]. راه حل تشخیص این تفاوت نیز اجرای حکم صادر شده یا اعتبار آن علیه محکوم علیه و اشخاصی است که در موقعیت خوانده بوده، ولی طرف دعوا قرار نگرفته‌اند. اگر حکم صادر شده در موقع اجرا تنها علیه محکوم علیه قابلیت اجرا یا اعتبار داشته و علیه اشخاص دیگر که با محکوم علیه نفع مشترک داشته، اجرا نشود (مثل حکم مربوط به مطالبه قیمت مال مغضوب علیه یکی از غاصبین)، این دعوا، دعوای دارای نفع مشترک بوده، ولی اگر حکم صادر شده علیه محکوم علیه در موقع اجرا علیه اشخاص دیگر که با محکوم علیه نفع مشترک دارند نیز اجرا شود، این دعوا، «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» است.

بنابراین، باید گفت «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» فقط نسبت به خواندگان و در مقام خوانده، محقق می‌شود و نسبت به خواهان‌ها، «دعوای غیر قابل تجزیه» محقق

نمی‌شود؛ زیرا برخلاف خواندگان که اگر همه آن‌ها طرف دعوا قرار نگرفتند، قرار عدم استماع صادر می‌شود، در حقوق ایران لازم نیست خواهان‌ها با همدیگر اقامه دعوا کنند. بر این اساس، «دعوا» هیچ وقت نسبت به خواهان‌ها عنوان «غیر قابل تجزیه و تفکیک» ندارد.

در صورتی که خواندگان غیرمحصور باشند، با توجه به این‌که بر طبق ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی می‌توان از طریق آگهی علیه اشخاص غیرمحصور اقامه دعوا کرد، اگر به این نحو دعوایی اقامه شود، حکم صادر شده نسبت به اشخاصی که از طریق آگهی، دعوا علیه آن‌ها اقامه شده، حتی اگر در این دعوا حاضر نشده و وکیل هم نفرستاده باشند، اعتبار دارد. ماده ۷۴ قانون مذکور تصریح دارد: «در دعوی راجع به اهالی معین اعم از ده یا شهر یا بخشی از شهر که عده آن‌ها غیرمحصور است علاوه بر آگهی مفاد دادخواست به شرح ماده قبل، یک نسخه از دادخواست به شخص یا اشخاصی که خواهان آن‌ها را معارض خود معرفی می‌کند ابلاغ می‌شود».

قانونگذار با توجه به این‌که لازم است «دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک» علیه همه خواندگان اقامه شود و از طرفی برای رعایت حقوق خواهان که گاهی از امکان ذکر اسامی همه خواندگان در دادخواست برخوردار نیست، شیوه‌ای را مقرر کرده است که به نحوی با ماده ۲۳ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا شباهت دارد. برخلاف ماده ۲۳ قانون آمریکا که شرایط متعددی را برای اعمال آن در نظر گرفته است، تنها شرط قانون در حقوق ایران این است که «دعوا غیر قابل تجزیه و تفکیک» باشد. بنابراین در دیگر دعاوی بین خواندگان متعدد با منافع مشترک به این نحو نمی‌توان دعوایی را مطرح کرد.

۲-۳-۴. رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک

همان‌طور که بعضی از اساتید حقوق در توضیح «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» توضیح داده‌اند «غیر قابل تجزیه و تفکیک بودن حکم باید ناشی از سببی باشد که بین



محکومٌ علیهم مشترک است» [۸، ص ۳۳۳]. با توجه به این توضیح، «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» همان دعوای دارای نفع مشترک بین اشخاص متعدد در مقام خواهان یا خوانده دعوا است که حکم به ضرر آن‌ها صادر شده است؛ زیرا در دعوای بین اشخاص متعدد دارای نفع مشترک نیز سبب دعوا بین خواهان‌ها و خواندگان متعدد مشترک است. این امر را می‌توان از مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ قانون مذکور که به عبارت «خوانده» اشاره کرده و به اشخاصی که شکایت نکردند (محکومٌ علیهم) اشاره شده، استنباط کرد. منظور از عبارت «محکومٌ علیهم» اعم از خواهان‌ها و خواندگان متعدد در مرحله بدوی است که حکم به ضرر آن‌ها صادر شده است؛ مخصوصاً با توجه به این‌که در هیچ حالتی «دعوا» بین خواهان‌های متعدد غیر قابل تجزیه نیست. بنابراین، باید گفت «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» در صورتی که بین خواهان‌ها و خواندگان متعدد، نفع مشترک وجود داشته و به ضرر آن‌ها صادر شود، محقق است و محدود به «دعوای غیر قابل تجزیه و تفکیک» نیست.

۵. نتیجه‌گیری

۱. دعوای بین اشخاص مختلف دو حالت کلی دارد: در حالت اول، هر کدام از اشخاص مختلف راجع به موضوع دعوا، نفع مستقلی برای خود ادعا می‌کند. به این حالت، «دعوای مرتبط» بین اشخاص متعدد گفته می‌شود. وضعیت و حالت دوم بدین نحو است که خواهان‌ها و خواندگان متعدد، نفع مشترک در اقامه دعوا یا دفاع از آن دارند. این وضعیت وقتی محقق می‌شود که بین خواهان‌ها و خواندگان متعدد، سبب دعوا مشترک باشد.
۲. در دعوای با منافع مشترک بین خواهان‌ها، لازم نیست که خواهان‌ها با همدیگر در یک دادخواست دعوای خود را اقامه کنند. در دعوای با منافع مشترک بین خواندگان متعدد نیز لازم نیست که دعوای خواهان علیه همه خواندگان در یک دادخواست اقامه شود.
۳. دعوای غیر قابل تجزیه یکی از مصادیق دعوای بین اشخاص متعدد با منافع

مشترک است. تنها تفاوت آن‌ها در این است که دعوی غیر قابل تجزیه باید علیه همه خواندگان در یک دادخواست اقامه شود. معیار تشخیص تفاوت نیز این است که آیا در فرض صدور حکم به نفع خواهان، حکم صادر شده علیه یکی از خواندگان، نسبت به اشخاص دیگر که در موقعیت خوانده بوده، ولی طرف دعوا قرار نگرفته‌اند نیز قابلیت اجرا دارد یا این‌که خواهان باید در دعوی مستقلی دوباره علیه دیگر خواندگان اقامه دعوا کند؟ پاسخ مثبت به این سؤال به معنای غیر قابل تجزیه بودن دعوا است.

۴. با توجه به این‌که در حقوق ایران لازم نیست که خواهان‌ها با همدیگر دعوی خود را اقامه کرده و هر کدام به صورت مستقل و جداگانه می‌توانند دعوی خود را اقامه کند، «دعوی غیر قابل تجزیه» شامل دعاوی خواهان نیست. بنابراین، دعوی بین خواهان‌ها با نفع مشترک عنوان «دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک» ندارد.

۵. اصطلاح «رأی غیر قابل تجزیه و تفکیک» در مواد ۳۰۸، ۳۵۹ و ۴۰۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، شامل خواهان‌های متعدد با منافع مشترک نیز هست؛ زیرا در این مواد قانونی به عبارت «محکوم‌علیهم» اشاره شده که شامل خواهان‌های متعدد که رأی به ضرر آن‌ها صادر شود نیز می‌شود.

۶. با توجه به این‌که در «دعوی غیر قابل تجزیه» باید همه خواندگان طرف دعوا قرار گیرند، ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی مدنی به «دعوی غیر قابل تجزیه» مربوط است و در دعوی بین اشخاص متعدد با منافع مشترک (به غیر از دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک) نمی‌توان به این نحو اقامه دعوا کرد. علاوه بر این باید گفت ماده فوق به نحوی شباهت به ماده ۲۳ قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا دارد.

۷. در حقوق ایران برخلاف حقوق آمریکا حکم صادر شده نسبت به بعضی از خواهان‌ها و خواندگان نسبت به دیگر اشخاص دارای نفع مشترک با خواهان‌ها و خواندگان، حتی حکم صادر شده در «دعوی غیر قابل تجزیه و تفکیک»، نسبت به دیگر خواندگان که از طریق آگهی طرف دعوا قرار نگرفتند، اعتبار امر قضاوت شده ندارد.

۶. پیشنهادها

۱. همان‌طور که در دعاوی غیر قابل تجزیه اگر همه خواندگان طرف دعا قرار نگیرند، قرار عدم استماع دعا صادر می‌شود، در دعاوی بین اشخاص متعدد با منافع مشترک به منظور جلوگیری از صدور آرای متعارض پیشنهاد می‌شود یا مقرر شود که در این گونه دعاوی نیز همه خواندگان باید طرف دعا قرار گیرند و گرنه قرار عدم استماع دعا صادر می‌شود یا این‌که امکان جلب اشخاص مورد نظر رأساً توسط خود دادگاه پیش‌بینی شود.

۲. با توجه به این‌که خواهان‌های دارای نفع مشترک می‌توانند جداگانه و در زمان‌های متفاوت اقامه دعا کنند و در نتیجه ممکن است این آزادی موجب صدور آرای متعارض گردد، برای جلوگیری از صدور آرای متعارض، امکان جلب اشخاصی که در موقعیت خواهان هستند، چه از طریق خواهان دعوای اصلی یا رأساً از طرف دادگاه به دادرسی پیش‌بینی شود.

۷. منابع

- [1] William J. Katt, *Res Judicata And Rule 19*, 103 NW, U. L. Rev. 401. 2009.
- [2] Michael E. Solimine and Christine Oliver Hines, *Deciding to decide: class Action certification and Interlocutory Review by the united states courts of Appeals under rule 23(f)*. Rev1531(2000).
- [۳] کاتوزیان، ناصر، *اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی*، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۹.
- [4] James warnot and Daniela strike and Francisco Malaga, *collective actions across the globe – a Review*, 2011.
- [۵] السان، مصطفی، *حقوق تجارت الکترونیکی*، تهران، سمت، ۱۳۹۱.
- [۶] زراعت، عباس، *قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران*، تهران، قفوس،

پژوهش‌های حقوق تطبیقی _____ دوره ۱۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳

۱۳۸۶.

[۷] افتخار جهرمی، گودرز، السان، مصطفی، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، تهران، دور اندیشان، ۱۳۹۳.

[۸] شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، تهران، میزان، ۱۳۸۱.